

عوامل افزایش طلاق

۱۰ درصد طلاقیها به پیش نهادرتان صورت میگیرد!!

و کمجوتی می باشد آنها مفهوم عالی ازدواج را که اتحاد دو انسان برای تشریک مساعی و تشکیل یک زندگی مشترک و کوشش در تعلیم و تربیت فرزندان برآمد می باشد درک نکرده اند.

دینی باشد که از آن کانونی چنین از جملند و پر از عشق، ایثار، ایوانی اعتقاد و کائنات و آتیت طلب باشد کمترین مساطره و کوچکترین عواقب شومی که میتوان بر این پیوند نامطلبی بار کرد و منتظر حقوق آن بود طلاق و جدائی است.

با کمال آسفت باید اعتراف کرد که علی رغم ترقی سطح علم و وسعت، استحکام پیاده خانواده، روز بروز بظرف نابودی کشانده شده، پس دیگری اصول اساسی حفظ خانواده از حضرات، فراموش شده است.

ملاحظه کنید سرگرمی دختران و پسران چیست؟ غیر از ایستگاه که با به تماشای صحنه های «هیج و

ملرح عال و جهات بسیاری از سلاطینها که بر اساس بررسی آثارهای معترابه شده است می توانم درام گشای یک زندگی سعادت آمیز بسوی دختران و پسرانی که قصد ازدواج دارند و کسانی که به بهانه های جزئی و رود گذر، محیط خانواده را به جهنی تبدیل می سازد، باشد و ما در اینجا بتدریج با تعلق از آنها را با نظر خوانندگان می گذاریم:

ضعف و یا فقدان مبانی اخلاقی زن و شوهر:

اگر با نگاه عمیق وضع خانواده های را که تلاشی ششاله مورد مطالعه قرار دهیم، آگاهی کرد می یابیم که بهترین عامل آن ضعف اصول اخلاقی طرفین و یا یکی از آن دو می باشد.

گاه اتفاق می افتد زن به هیچ چیز و هیچ کس متعلق نبوده و با شوهر از هیچ معنوبیتی برخوردار نبوده است و آنچه مورد توجه زن یا شوهر بوده، تنها تمتع



شهرت انگیز نیم هادریسما و شورویون می بردانند
 و به مطالعه کتب علمی و سیاسی جهانی؟
 آ با این وضع می توان نوردستگاری و مسای
 اخلاقی را در چین زان چشم دید؟
 در کدام یک از آنها، درس جستجوی دستورال
 پایداری خانواده، اعلم داد می شود؟ و اگر هر
 برضی از برنامه یادآموز باشد بعضی دیگر که
 بسیار یادآموز است، از خود را بدروسه اطفال
 می گذارد.

طبقه اصلی در حفظ مای اخلاقی جوانان،
 در دهه اول توجه پندان و مادران می گردد که آنان
 را در محیط گرم خانواده، خوب اعلم و تربیت نمایند
 و عواقب و خیم طلاق و عدانی را برای آنها بازگو
 کند زیرا ناپائمانی محیط خانواده و تربیت اولیه
 در بک محیط آشفته و پر اضطراب، در روحیه اطفال
 و زندگی آینده شان تأثیر کامل دارد برای اینکه در
 اکثر موارد دیده می شود دختر با توهمات مادرش و
 پسر با توهمات پدرش وارد زندگی خانوادگی می
 شود و این نمونه برزاری، همواره مینمایند و
 شوهرها در زندگی زناشویی است.

از این رو در براند می خواهیم که در کشور ما در
 صد از برنامه های شکایت آمیز از وضع زندگی زناشویی،
 در جناب کسانی است که زندگی پندومادر خود را
 بعنوان نمونه مطرح کرده اند و پیدا است که متأثر
 از شیوه زندگی آنها، قدرت هماهنگی خود زمانان
 و با شوهرشان از دست داده اند.
 و در مرحله های نهانی و نهانی آموزش و تدریس و سایر
 مسئولان امور تربیتی می باشد که آمان زار ادعای

و آداب معاشرت سالم و حقوق زین شوهر را نسبت
 بیکدیگر بیان کند و آنها را بر این زندگی خانوادگی
 آماده نماید.

بیمانه های غیر منطقی

در این حقیقت ننگی نیست که خانها پیش از
 آ با نادر ام طلاق پیشقدم می شوند. آ نیم به بهانه های
 جزئی و دروغ گونه چنانکه در مطبوعات می خواهیم که
 ... و با طریک خروس زنی از شوهرش طلاق گرفته
 در شکی دماغ و که چکی چشم مرد باعث عدانی
 زن و شوهر شده و اختلاف بر سر خواسته محبوب،
 زین شوهر را از هم جدا کرده و شوهرش در وقت
 خواب سبب طلاق شده حتی شده آورند دلیل
 خانمی است که در دادگاه خانواده در امریکا می
 گفت: طلاق می خواهم چونکه شوهرم اسم دارد
 که هر شب پشت او را بنگارم اله زن دیگر قسم
 تقاضای طلاق در مقام استدلال برآمده اظهار داشت
 و آری شوهرم را با این جهت نمی خواهم که منمیکه
 آب می نوشد استخوان زبر گلوی او حرکت می
 کند اله (لایه استخوان زبر گلوی خود ختم ثابت
 می ماند) (۱)

اینها داستان نیست و تسلیی ماضی الزامات را
 نیست بلکه حقایق است که ناشی از تمسک سلبه
 سرخوردگی های روانی است.
 جناب اینک طبق یک آمار می در ۷ درصد از کشور که
 از شوهران خود گفته اند، برخی بی اعتمادی و تردید
 سهم در مورد زندگی زناشویی بیشم می خورد
 بخصوص در میان زنان تحصیل کرده زیاد این نوع
 رسومه و ایراد های غیر منطقی دیده می شود چنانکه

خانمی اظهار می داشت: من عاشق شوهرم شدم ولی
 می خواهم از او جدا شوم چون بآنچه اعتراض دارم
 نفس اندوخت است تا بعدی و قصور شوهرم.

آمارها سند زنده است که زنان در امر طلاق
 بیشتر از مردان پیشقدم هستند از جمله: و دادگاه های
 فرانسه تنها در سال ۱۸۹۰-۱۸۹۵ به ۹۷۸۵ فقره طلاق
 رأی دادند که ۷۰۰ آن بدخواست زنان بوده
 است و اکنون این نسبت که بیش از ۵۰ درصد می
 باشد فرونی یافته است (۱)

آمار می که از طرف وزارت دادگستری منتشر شده نشان
 می دهد که در بیمن ماه سال ۳۸-۱۳۰۱ درخواست
 طلاق از طرف زنها و شوهران داده شده است. از
 این مقدار ۳۲۲۲ تنم تهران بوده است چنانچه مشاهده
 می گنجد تقاضای طلاق زنها بیش از مردان بوده
 است (۲)

و اینکه در امریکای اوسون ضمن بیان آمارهای
 هر یک از طلاق در امریکا می نویسد: و قابل توجه اینکه
 هشتاد درصد طلاق ها بنا به تقاضای زنان

از سخنان بزرگان
 مجازات دروغگو این است که حتی موقفی که حرف راست را هم
 می زند کسی از او باور نمی کند.
 فقط کسی داناست
 کسی که صدقه بدهد بیکه آنه می کارد
 ۱- طلاق و تعدد ص ۲۰
 ۲- اطلاعات شماره ۷۹۹۲

واقع شده است و دادخواست طلاق را نیز اکثر
 در این باید دانست و آنرا محدود ساخت
 خانم و سوتیکا دیکس «نویسنده انگلیسی ضمن
 اظهار تأسف شدید از آمارهای وحشتناک طلاق
 در آن کشور می نویسد: دوام و استحکام هر ازدواجی
 در درجه اول به صداقت و سبکی نبودن زنان بسته است
 و با توجه باین حقیقت تلخ ناگزیر اعتراف میکنم
 که آمارها و پرونده های دادگاهها نشان می دهد که
 از هر یک صد ازدواجی که بیعدانی منجر می
 شود در فاصله آن زنان مقصرند با بدچاره اساسی
 برای این امر پیدا کرد و دادخواست و عمل تقاضای
 میورد طلاق از طرف زنان بیشتر مطالعه نمود و با
 کمک قانون آرا ارجیم نمود.

این اشرفا و سایر اشرفا های دانشندان بر اساس
 آمارهای منتشره، نظر حکیمان قانون گذاری اسلام
 را که اختیار طلاق را در دست مرد قرار داده است نه
 زن، خوبی ثابت می کند و ضمناً پاسخی قاطع و
 منجسی است بکسانی که بر این قانون مهم خانوادگی
 اسلام خرده گرفته و آنرا بیاد انتقاد می گیرند.

مجازات دروغگو این است که حتی موقفی که حرف راست را هم
 می زند کسی از او باور نمی کند.
 فقط کسی داناست
 کسی که صدقه بدهد بیکه آنه می کارد
 ۱- طلاق و تعدد ص ۲۰
 ۲- اطلاعات شماره ۷۹۹۲